

* ما گرفتاریم اندر مثلث با سه فیل.....آنگ لوفیل، امریکوفیل، دارک نسوفیل^۱ *

استعمار میسر نمی شود مگر با استحمار و استحمار میسر نمی گردد مگر در سایه ی تاریکی، و این تاریکی و جهالت نیز گاهی با فقر و گرسنگی پا به عرصه ی تاریخ گذارده و می گذارد.

قحطی بزرگ در دوره ی جنگ اول جهانی از جمله ی این موارد است، گرسنگی آغاز فریب و وابستگی نان آغاز وابستگی جان و مال است. چرا که جامعه ی گرسنه نمی تواند بیانیدشد و هر که را نیاندیشد به سادگی می توان فریفت. روباه پیر استعمار مسلط بر این ابزار پلیتیکی قوی در این دوره توانست با گیج و سر گشته کردن حریف باز هم در شطرنجی کم هزینه مهره های خود را بچیند. برای بهتر شناختن قواعد بازی رقیب ابتدا به بررسی شرائط آن زمان می پردازیم:

دولت منحوس و بی عرضه ی قاجار که بعد از حدود یک و نیم قرن نخواست خدمات بسیار ناچیزی برای ایران داشته؛-که عمده ی آنهم ثمره ی زحمات امیرکبیر فقید و قائم مقام فراهانی بود- جز نارضایتی چیز دیگری عاید خود نکرده بود و مردم نیز دانسته بودند در سایه ی روحانیت و با همراهی و هماهنگی این دو بال توانمند(مردم و روحانیت) در تجربیاتی نظیر تحریم تنباکو و انقلاب مشروطه می توان موفق بود، راه دفاع از ملت را در این سلسله ی ننگین یافته و توانسته بودند در اواخر قاجار علیه منافع استعمار انگلیس و به نفع منافع ملی ایران گام بردارند(لغو قرارداد ۱۹۱۹ و توثق الدوله).

چشم آبیان حيله گر نیز از نارضایتی شدید مردم و غفلتشان استفاده کرده، با ایجاد **قحطی بزرگ** آن دوره و از میان برداشتن حدوداً نیمی از ملت ایران و گرسنگی نیمی دیگر و با تشدید دلزدگی مردم از قجرها توانستند دیکتاتور تازه نفسی به نام رضاخان میرپنج را بر قدرت بنشانند. هنوز هم در تاریخ شفاهی که سینه به سینه نقل می شود می شنویم که قبل از رضاشاه گرسنگی با مردم چها کرد و چنن کرد و بعد از او مردم از گرسنگی نجات یافتند و چه و چه. ولی هیچ کدامشان از قرارداد ننگین^۲ دیگری(بعد از لغو قرارداد داری) که باز هم با ابزاری دیگر به چپاول منابع ایران زمین نمی گوید؛ هیچ یک از پهلوی فیل ها(دوستداران پهلوی) از سقوط ایران میرپنجی مقتدر در ۱۳۲۰ نمی گوید؛ از گرسنگی های جنگ دوم جهانی و خفتی که در استفاده ی تبعیض آمیز متفقین از راه ها و جاده های ایران بر سر ملت آوردند نمیگوید(در خاطرات اشرف پهلوی به این مورد اشاره شده).

آری ثمره ی تاریکی دست ساخته ی آبی چشمان مدعی تمدن آن بود که گفته شد و شگفتا که بعد از گذشت قریب یک قرن از این خاطره ی تلخ ملی میهنی هنوز هم سخن راندن از ستم آن دوره ی روبه پیر سخت است حتی در مملکتی که مملکت ولیعصر است، مملکت امام زمان است و امام زمانی نیست، هنوز که هنوز منافع استعمار خبیث بریتانیا در داخل حامیانی دارد که حتی تصویرگری ستم او را منع می کنند، تصویرگری ای که دیروز در قاب نقش و نگار و نوشته بود و امروز در قاب هنر هفتم، بله ارتباط خوب است و حسنه ولی برای پیشرفت نه برای

تاریکی و ظلمات، و ارتباط خوب است به شرط شناخت و آلا هلاکت است و بس، نه برای بقای تاریکی و جهل از تاریکی ها، نه برای ندانستن. ارتباطی که با شرط تجاهل و در غفلت انداختن خلق باشد که پسرفت و تحجرت نه پیشرفت و تفکر.

فیلم **یتیم خانه ی ایران** تصویرگری دردمندی وطن دوست از این دیار ستم کشیده است. که جز با نامه ی قاضی القضاة^۳ اجازه ی اکران و دیده شدن نیافت. حال طرح یک سؤال، مگر آبی چشمان از این دیار نرفتند؟! اگر پاسخ آریست، چگونه شایعه ی ممانعت جاسوسخانه ی مکار پیر را باور کنیم؟ ممانعت از نمایش نگارگری یک انقلابی را از ستمی کم نظیر در تاریخ؛ که با گذشت یک صده همچنان مانع از افشای آن می شوند. مگر آزادی سخن تنها برای تطهیر چهره ی پلیدشان است؟! که تا داده سخن سر دهی از ظلمشان و گویی شاگرد این دیوسیرت پیر شیطان اعظم است* ؛ محکومی به جهالت و نادانی، تازه به دوران رسیدگی و بی اصل و نسب، وطن فروشی و کاسب کاری!!!!

بله انقلاب قدرتشان را کاست ولی ناپدید ساخت و ابزارشان را تغییر داد نه اینکه ابزاری دیگر و راه و روشی دیگر برای بریتانیا باقی نگذاشت. مغفول ماندن این هلوکاست حقیقی از دروس تاریخ و کتاب ها و حتی تا سال ها برنامه های تلویزیونی خود نشانه ی حضور همچنانی این جریان در عرصه ی فرهنگی و نفوذ ریشه دار و کهن فکری در جریانات روشنفکر است ؛ که نه تنها در مطبوعات و انتشارات بلکه در بخشهایی از قدرت نیز **نفوذ** دارند. به دفعات تکرار این واژه ی تلخ در چند ساله ی اخیر از زبان زعیم شیعیان^۴ (حضرت آیت ... خامنه ای) توجه کنید .

با نگاهی به داستان این اثر و قیاس آن با شرایط حال می بینیم که در آن زمان منورالفرکان با قلم و مطبوعات خود به سیاه نمایی و تبرئه ی استاد مکارشان می پرداختند. اما امروز با فشار بر هنرمندی که سخن می گوید از خباثت مرتبی چشم آیشان ، دیروز سرباز و افسر انگلیسی مستقیماً و با دریدگی جولان می داد در این خاک اما امروز زمانه ی اینگونه رویارویی نیست و با «خُل و فُرَج نفوذ»^۵ که در غمنامه ی برجام و در قالب واژگان است به مصاف می آیند ؛ دیروز با قحطی عظیمی حاصل از آتش زدن و غارت و خرید مکارانه ، «خطرات متعدده»^۶ می آفریدند و امروز با تحمیل آن ستمنامه در شرائط به اصطلاح صلح . دیروز مصداق این بیت بودیم :

مُلکِ ایران شده ویران ز سه فیل.....روسوفیل، انگلوفیل، آلمانوفیل

و امروز مصداق:

ما گرفتاریم اندر مثلث با سه فیل.....آنگلوفیل، امریکوفیل، دارک نسوفیل

آری اهمیت تاریخ برای عبرت گرفتن است و شباهت های آن واقعه با حوادث روز بسیار. آن زمان نان و جان و این زمان کار و صنعت، آن زمان گندم بود و خرید و غارت، این زمان آب سنگین است و خرید و سیمانریزی به کالندریا(قلب راکتور)، آن زمان ممانعت از ورود گندم به کشور بود و امروز ممانعت از ورود نخبگان علمی به کشور(این گونه ارتباطات جهت انتقال علم و تکنولوژی نوین ضروریست و به گفته ی دکتر صالحی رفت و آمدشان از بعد برجام محدود شده). آن زمان منع ساخت راه آهن و امروز منع غنی سازی^۷ (چرا که تا وابستگی اقتصادی نباشد وابستگی سیاسی بعید به نظر میرسد). در آن دوره جلوگیری از کار دانشکده ی حقوق^۸، در این دوره جلوگیری از تولید علم و رسیدن به فن آوری و اخراج بعضی نخبگان علمی در حال تحصیل از برخی کشورها. در دوره ای قجرها گفتند این ماده ی سیاه بدبو را از مملکت ببرید و در این دوران دکتر شیرزاد(نماینده ی اسبق اصفهان) و دکتر کولایی و..... می گویند هسته ای به چه کار!!!! و مشابهنش را دکتر صالحی در مجلس در جواب وکلای ملت می گوید:«هرچند این مواد هسته ای را به خارج می برند ولی زباله اش را به داخل نمی آورند»!!!!!! در آن دوران غله از ما خریدند و به ده ها

برابر قیمت رساندند امروز آب سنگین را میبرند و مجبورمان میکنند به تعلیق و کاهش اورانیوم غنی شده و چه و چه ی هسته ای را در پزشکی نمیدهند. (به نقل از نخبه ی هسته ای در بر نامه ی تا تریا)؛ بله دیروز امراض را وارد کردند و منع طبابت کردند امروز منع درمان میکنند (طبابت از طریق بعضی روشهای پزشکی هسته ای). دیروز اسماعیل خان و انبار غله و امروزها و نفت (همان ماده ی سیاه بدبو)، دیروز داری و امروز آی پی سی. اما دیروز در خاک خودمان برایشان گورستان آفریدیم و امروز در دوردستها. دیروز قوا و نظم و نظامی نبود و هر چه بود آبی چشمان می دانستند اما امروز به برکت پیری دانا اجازه ی دیدار ساز و برگ قوا - به رغم آن ستمنامه ی مورد اتفاق - را نمیدهند.

انشاء..... که با ذکاوت و زیرکی مانع تحمیل چنین غمنامه هایی بر این مُلک شویم و بدانیم که اگر دیروز سید ضیاءالدین ها و ملک خان ها و وثوق الدوله ها و هویداها تابعیتی ها و غربزدگان تحصیل کرده و تربیت شده ی انگلوساکسن ها بودند امروز غفلت از واژگان نوکر اوست و کلام خود راه نفوذ است نه شخص.

حال چند سؤال دیگر از مدعیان سینه چاک میهن پرستی و میهن دوستی که تا صحبت از دین و دیانت و اسلام می شود داد سخن یر میدهند که وای وطن وای ایران باستان وای خلق که ما عرب نیستیم و آریایی، و عرب نمی پرستیم!!!! نخست آنکه مگر فراموش کرده اید که عرب در عصر ایران باستان استقلال سیاسی نداشته و به ایران و یا به روم گرایش داشته و ایران آن دوران افتخارش تنوع نژادی فراوان بوده؟ دوم اینکه این گوی و این میدان، اگر میهن پرستید؟ کمتر از صد سالست که این **فاجعه ی کشتار ۹ میلیونی** ایرانیان رخ داده و نه هزاران سال؛ اگر ما میهن برایتان معنایی و مفهومی دارد این واقعه که کشتار بیش از کشتار حمله ی مغول بوده را معترض شوید؛ برایش کمپین های چه و چه تشکیل دهید یا اثری از این واقعه ی تلخ و سنگین معاصر حذف شده از تاریخ بسازید یا تنها اثری که از این قطعه ی محذوف تاریخ به پرده ی نقره ای نشسته را حمایت کنید. بله افتخاراتی عظیم با مایه های هنری و معماری متعدد مانند تخت جمشید که یادآور ظلم یونانیان (مرکز وقت تمدن غرب) در آن دوران نیز هست؛ یقیناً مهمّ اند ولی ۲۳۰۰ واندی سال پیش نزدیکترست یا صد سال پیش؟! تحولاتی که در ایجاد و شکل دهی به مرزهای کشورهای امروزی منطقه در نتیجه ی جنگ جهانی اول رخ داده مهمترند یا تحولات تاریخی ۲۵۰۰ سال پیش؟ (که البته اشاره ی به آنها و ارزششان از باب اهمیت ذاتی تاریخ قطعیت) کدامیک کاربردی ترند؟ چرا این جماعت میهن پرست فقط عرب را بیگانه می دانند بس، و سخن راندن از ستم چندجانبه ی حقیقی وهمچنان مداوم بریتانیای کوچک را جنون و خطر آفرین میدانند!! حمله به سفارتشان در تهران را که کار بسیار ناپسند و از روی خشمی بود را توحش میدانند ولی از حملاتی که به سفارت خودمان -قطعه ای از خاک کشور- در لندن شده هیچ نمی گویند (یکی از این موارد در اوایل انقلاب منجر به شهادت و مجروحیت چند دیپلمات کشورمان شد). گویی به فرنگیان که میرسند دامانشان از دست میرود و خودشان را دلیل می بینند. نکند غرورشان فقط به اسم عرب ستیزیست و در باطن اسلام ستیزیست؟ آیا نمی دانند دولتهای عرب هیچ گاه بدون حمایت و طراحي انگلوساکسن ها جنایتی نکرده نمی کنند چه در جنگ هشت ساله و چه در قضا پای گروهکهای تروریستی؟ آنانی که برای کشته شدن چند نفر بیگانه معدود در فرانسه زانوی غم در بغل می گیرند و شمع عزا بر در سفارت فرانسه می افروزند چرا در برابر این کشتار عجیب سکوت میکنند؟ و آنانی که تمسخر می کردند مرد سیاستی -مطالبه ی خسارت احمدی نژاد از دولت متفق بابت حضور در ایران- را که طلب میکرد خسارت جنایت اول و دوم جهانی را در این سرزمین؛ آیا نمی دانند برخی در دنیا از جمله آفریقایی ها مطالبه ی تاریخی خسارت ۷۷۷ تریلیون دلاری از اروپائیه با محاسبات دقیق را در دستور کار قرار داده و اعلام کرده اند؟ و آیا نمی دانند هنوز اسرائیل بابت هلوکاست از آلمان خسارت می گیرد^{۱۰}؟ آیا حقیقتاً نژاد ما را برتر میدانند و در برابر غربیان و خصوصاً انگلوساکسن ها عکس آن می اندیشند و نژادمان را ذلیلتر می پندارند؟

✳️ **مراد از دیوسیرت پیر انگلستان و مراد از شاگردش آمریکاست که امام آنرا شیطان بزرگ خواند و امروز تکرار آن سخن محکوم است به**

افراط!

۱: darkness به معنای تاریکی و پسوند فیل به معنای دوستدار و طرفدار است.

۲: قرارداد ۱۹۳۳ که به موجب آن اختلافاتی بین ایران و شرکت نفت انگلیس به وجود آمد که منجر به قرارداد الحاقی گس-گلشاهیان گردید. به موجب قرارداد ۱۹۳۳ ایران موظف به پرداخت مالیات به انگلیس بود پس اگر انگلستان مالیات را افزایش میداد چیزی برای ایران نمی ماند. همچنین معافیت گمرکی قسمتی از واردات کمپانی و نیز معافیت از عوارض گمرکی نفتهای صادره از جمله مشکلات این قرارداد بود. (از tebyan.net,mashreghnews.ir)

۳: رجوع شود به نامه ی تشکر ابوالقاسم طالبی کارگردان فیلم از ریاست قوه ی قضاء (کد خبر: ۶۴۷۶۷۱ mashreghnews)

۴: «آقایان! این نفوذ مسئله ی مهمی است. نفوذ مسئله ی مهمی است بنده هم که این را عرض می کنم نه به خاطر اینست که حالا یک احتمالی به ذهنم می آید که ممکن از روی اطلاع دارم عرض میکنم که برنامه ی نفوذ در کشور یک برنامه ی جدی استکبارست، برنامه ی جدی آمریکائی ها است؛ دارند دنبال میکنند که نفوذ کنند. یکی از چیزهایی که نفوذ در باورهای مردم هدف قرار می گیرد این است که خیانتهای غرب را فراموش کنند...» (۹۴/۱۲/۲۰ از farsi.khamenei.ir)

«یک مسئله مسئله ی نفوذ است؛ نفوذ. ما این مسئله ی نفوذ را در قضیه ی برجام و پس از برجام مطرح کردیم؛ این خیلی مسئله ی عجیب و خیلی مسئله ی مهمی است. کسانی که در مسائل گوناگون دسترسی به اطلاعات دارند، خوب میدانند که چه دامی برای کشور گسترده اند یا می خواهند بگسترانند برای نفوذ کردن در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت ایران، با انحاء مختلف تدابیر...» (۹۴/۱۰/۱۴ farsi.khamenei.ir)

نفوذ دشمن در مجلس ششم همزمان با مذاکرات هسته ای «مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته ای در دورانی که رئیس جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته ای بود و داشتند با زحمت، با شدت حرف می زدند، با طرفهای مقابل مجادله می کردند و در واقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! همان وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس جمهور محترم فعلی ماست، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه می کنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراحی میکنند؛ خُب، اینها نفوذ است؛ مگر نفوذ شاخ و دم دارد.....» (۹۴/۱۲/۵ farsi.khamenei.ir)

۵: نامه ی تأیید مشروط برجام از سوی رهبری ۶: همان

۷: با هدف ادامه ی ترابری در کشور توسط چهارپایان و در نتیجه هم اختلال در ترابری و هم گسترش قحطی به دلیل نیاز احشام به علوفه و غلات.

۸: به گفته ی دکتر پیروزمند (استاد دانشگاه تهران) «در زمان قاجار تا حدی و در زمان رضاخان به طور کامل دانشکده ی حقوق فعالیتش متوقف شد» که تدریس آن مباحث برای جلوگیری از ظلمهایی که در امور دیپلماتیک به کشور می شد مفید بود.

۹: نطق شیرزاد در مجلس ششم و همچنین در یک نشریه ی ایتالیایی که گفته بود: ما احتیاجی به نیروگاه اتمی نداریم!!!!!! (به نقل از rooyeshnews.com) همچنین در فیلم گام نهایی .

۱۰: به نقل از www.asriran.com کد خبر ۹۵۰۰۸ تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۰۴

نگارنده: مهران راستی

گردان عقیدتی سیاسی شهید اسلامی نسب

برگزاری جلسات هفتگی دو شنبه ها

اطلاع از طریق شماره ی ۰۹۱۷۲۸۹۲۳۹۴